

نشریه ادبیات تطبیقی (علمی - پژوهشی)

دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال چهارم، شماره ۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۱

بررسی تطبیقی کنش های گفتاری مقامه « فی السکباج » از مقامات حمیدی با مقامه « المضیریه » از مقامات بدیع الزمان همدانی*

فائزه عرب یوسف آبادی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

دکتر زهرا اختیاری

دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

دکتر سید جواد مرتضایی

دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

دکتر سمیرا بامسکی

استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

اصطلاح مقامه به گونه ای از نثر فنی و مسجع که در بردارنده روایات، فکاهیات، نکات ادبی و... است، اطلاق می گردد. درباره نثر فنی و اسلوب نگارش مقامات پژوهش های بسیاری صورت گرفته است؛ ولی منتقدان و پژوهشگران زبان و ادبیات عربی و فارسی به کنش های گفتاری آن توجهی ننموده اند. مقامه « فی السکباج » نوشته قاضی حمیدالدین بلخی است. شباهت زیاد میان مقامه « فی السکباج » و مقامه « المضیریه » از کتاب مقامات بدیع الزمان همدانی سبب شده است که عده ای آن را ترجمه مقامه المضیریه بدیع الزمان معرفی کنند. هدف در این مقاله رد این نظریه است. بدین منظور با استفاده از نظریه کنش های گفتاری به مقایسه میان این دو مقامه پرداختیم و به این نتیجه رسیدیم که مقامه فی السکباج تقلید صرف از مقامه مضیریه نیست؛ بلکه قاضی حمیدالدین با گسترش حجم روایت خویش و با بهره گیری بیشتر و متنوع تر از کنش های گفتاری زبان موفق شده است که روایتی پویاتر از روایت بدیع الزمان همدانی به مخاطبان فارسی زبان ارائه دهد.

واژگان کلیدی

فی السکباج، المضیریه، کنش های گفتاری، بررسی تطبیقی.

*تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱/۱۳ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۱۰/۹

نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: FAMOARAB@GMAIL@gmail.COM

۱- مقدمه

انسان موجودی است دارای میراث فرهنگی که متونی جدید را از بطن متون پیشین فرهنگ و ادبیات خویش متولد می‌کند. هر متن موجود در ادبیات از همان آغاز در قلمرو قدرت گفته‌ها و متون پیشین است؛ نظریه پردازان معاصر متن‌ها را خواه ادبی و خواه غیر ادبی فاقد هر نوع معنای مستقل می‌دانند و معتقدند که عمل خواندن هر متن در ارتباط با مجموعه‌ای از روابط متنی است که تفسیر کردن و کشف معنای آن متن منوط به کشف همین روابط است (Allen, 2000: 1). بر این اساس، ادبیات تبدیل به پدیده‌ای جهانی و کلیتی می‌شود که اجزای آن از وحدتی اندام‌وار و انسجامی یگانه برخوردارند (انوشیروانی، ۱۳۸۹: ۱۳).

در این مقاله به بررسی تطبیقی «کنش‌های گفتار» (speech acts) در مقامه «فی السکباج» از کتاب مقامات حمیدی با مقامه «مضیریه» از کتاب مقامات بدیع‌الزمان همدانی می‌پردازیم. با توجه به این که شرط انجام پژوهش‌های تطبیقی از منظر مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی، برخورد تاریخی و تأثیرپذیری و تفاوت زبان در اثر ادبی است (غنیمی الهلال، ۱۳۷۳: ۳۶) و با عنایت به اعتراف قاضی حمیدالدین در مقدمه اثرش مبنی بر تأثیرپذیری از مقامات عربی، مبنای نظری این مقاله در چهارچوب اهداف مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی است که با بهره‌گیری از نظریه کنش‌های گفتاری به مقایسه یک اثر ادبی در یکی از زبان‌ها (مقامه فی السکباج به زبان فارسی) با اثری مشابه در زبان دیگر (مقامه مضیریه به زبان عربی) می‌پردازد.

دلیل انتخاب این متون برای مقایسه به وسیله نظریه کنش‌های گفتاری این است که مقامه «فی السکباج» به دلیل شباهت‌های فراوان با مقامه «المضیریه» بدیع‌الزمان همدانی در برخی منابع به اشتباه ترجمه کامل آن معرفی شده است (بلخی، ۱۳۶۵: ۱۱)؛ ولی ما برآنیم که با نشان دادن گشتارهای (Transformation) مختلف آن (گشتار در اصطلاح روایت‌شناسی، بازنویسی متون پیشین با ایجاد تغییراتی در حجم یا محتوای آن است)، غلط بودن این مدعا را اثبات نماییم و نشان دهیم که به رغم مناسبات میان متن و بنیان هم‌بسته این دو داستان، کار قاضی حمیدالدین ترجمه و حتی تقلید‌پذیری صرف از مقامات بدیع‌الزمان همدانی نیست و او با بهره‌گیری متفاوت از جنبه‌های مختلف کنش‌های گفتار موفق شده است که روایتی متفاوت با الگوی اولیه را به مخاطبان فارسی زبان ارائه دهد.

از آن‌جا که داستان مقامه‌های مورد بحث ما دربارهٔ مواجه شدن با انسانی پرحرف و آسیب دیدن از حرافی و پرگویی اوست، به کار بردن این نظریه برای مقایسهٔ زبان دو روایت سبب می‌گردد که علاوه بر بیان موقعیت کیفی گزاره‌ها، به پاسخ این پرسش‌ها رسید: ۱- کنش گفتاری پایه در زبان داستان هر یک از این دو مقامه کدام است؟ ۲- آیا مقامه فی السکباج تقلیدی صرف از مقامهٔ مضیریه است یا این که در روایت قاضی حمیدالدین گشتارهایی مشاهده می‌شود.

روش مورد استفاده در این پژوهش روش تحلیل محتواست و واحد تحلیل مضمون در نظر گرفته شده است که شامل گزاره‌ای (proposition) است که یک کنش را القا می‌کند. برای نمایش هدف‌مند کنش‌های گفتاری، تعداد هر یک از انواع کنش‌ها و بسامد غیبت و حضور آن‌ها با جدول نشان داده شده است. در این جدول‌ها گزاره‌های مقامه‌های «المضیریه» از بدیع الزمان همدانی و مقامهٔ «فی السکباج» از مقامات حمیدی، آمده است. لازم به ذکر است که علامت (\emptyset) در جدول‌ها؛ یعنی این که کنش گفتاری مورد نظر در این پی رفت موجود نیست و علامت (-)؛ یعنی این که فقط یک کنش گفتاری در پی رفت مورد نظر دیده می‌شود؛ اعداد موجود در جدول‌ها تعداد کنش‌های بیشتر از یک را نشان می‌دهد.

پژوهش بر پایهٔ این فرضیه‌ها شکل گرفت که: ۱- کنش گفتاری اظهاری، کنش گفتاری پایه در زبان داستان هر دو مقامه است که در بیشتر پی رفت‌ها حاضر می‌باشد. ۲- مقامهٔ فی السکباج تقلید صرف از مقامهٔ مضیریه نیست؛ بلکه قاضی حمیدالدین با گسترش روایت از چهارصد و نوزده گزارهٔ روایت مضیریه به پانصد و چهل و دو گزارهٔ در روایت خویش و با بهره‌گیری بیشتر و متنوع‌تر از کنش‌های گفتاری زبان (بهره‌گیری از کنش عاطفی F^E ، علاوه بر کنش‌های مورد استفادهٔ بدیع الزمان) موفق شده است که روایتی پویاتر از روایت بدیع الزمان همدانی به مخاطبان فارسی زبان ارائه دهد.

۲- پیشینهٔ تحقیق

از جمله پژوهش‌های مرتبط با تحقیق حاضر کتاب **سبک‌شناسی کاربردی** (*Pragmatic Stylistics*) (۲۰۰۶) اثر الیزابت بلک (E. Black) است. این کتاب در مطالعهٔ متن‌های داستانی جزو اولین مطالعاتی است که نظریه‌های کاربردشناسی از جمله کنش‌های گفتاری را در مطالعهٔ زبان داستان به کار گرفته است. با وجود آن که دربارهٔ نشر

فنی و اسلوب نگارش و مقایسه عناصر داستانی مقامه‌های فارسی و عربی پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است؛ ولی تا کنون هیچ یک از منتقدان و پژوهشگران زبان و ادبیات عربی و فارسی به بررسی و مقایسه کنش‌های گفتاری داستان‌های مقامات فارسی یا عربی نپرداخته‌اند و این نخستین پژوهشی است که از این منظر به مطالعه زبان داستان‌های گونه مقامه می‌پردازد.

۳- بحث و بررسی

۳-۱- نظریه کنش گفتاری

نظریه کنش گفتاری یکی از مهم‌ترین روش‌های تحلیل صحبت تعاملی است که با رویکردی گفتمان‌شناسی میان ابزارهای زبان‌شناسی و اهداف روایت‌شناسی در نقد ادبی پیوند برقرار می‌کند. این نظریه که نخستین بار توسط آستین (Austin) مطرح شد، واکنشی بود نسبت به سه اصلی که معنی‌شناسان زبانی و معنی‌شناسان منطقی آن‌ها را اساس نگارش نسبت به معنی پذیرفته بودند. این سه اصل عبارت بودند از:

- جملات خبری گونه اصلی جملات زبان هستند.

- کاربرد اصلی زبان اطلاع دادن از طریق جملات است.

- صدق و کذب معنی جملات را می‌توان تعیین کرد (صفوی، ۱۳۷۹: ۱۷۴-۱۷۳).

آستین با رد این اصول و اعمال ملاحظات خویش، شرایط شکل گرفتن نظریه کنش گفتار را فراهم نمود (پهلوان نژاد و اصطهباناتی، ۱۳۸۷: ۳). از منظر او کنش‌های گفتاری در واقع کنش و عملی است که در خارج از زبان تغییر ایجاد می‌کند (Green, 1991) (29: پس از او سرل (Searl) با اعتقاد به این که سخن گفتن عبارت است از «وارد شدن در گونه‌ای قاعده‌مند»، این نظریه را گسترش داد و ثابت کرد که وقتی گفته‌ای بیان می‌گردد، چهار کنش هم‌زمان صورت می‌گیرد که عبارت است از: کنش گفتن، کنش گزاره‌ای، کنش منظوری و کنش تأثیری. او معتقد بود که گفته‌ها علاوه بر دلالت‌گری، قادرند کارهای گوناگونی را نیز انجام دهند؛ برای مثال «ایفاگرهایی» (Performatives) نظیر «من نام این کودک را سعید می‌گذارم.» و «من تو را محکوم به اعدام می‌کنم.» در عمل نیز نتایج و عواقبی را ایجاد می‌کنند (چاوشیان، ۸۷-۱۳۸۶: ۱۲۵)؛ بدین منظور سرل کنش‌های مختلف گفتار را به همراه رمزگان‌هایشان به شرح ذیل دسته بندی کرد:

۱. کنش‌های تصریحی یا اظهاری (representative act or assertive)، برای بیان یک واقعه یا گزارش از یک فرآیند که آن را F^R می‌نامیم.
 ۲. کنش‌های ترغیبی (directive act) برای بیان تقاضا، صدور دستور، ارائه پیشنهاد یا طرح پرسش؛ این کنش را به شکل F^D نشان می‌دهیم.
 ۳. کنش‌های عاطفی (expressive act) برای بیان احساسات و ذهنیت افراد نسبت به وقایع؛ این کنش را هم با نماد F^E مشخص می‌سازیم.
 ۴. کنش‌های تعهدی (commissive act) برای بیان تعهد گوینده نسبت به تحقق عملی در آینده. برای این کنش نماد F^C را در نظر می‌گیریم.
 ۵. کنش‌های اعلانی (declaration act) برای نام گذاری یک واقعه و اعلان یک رخداد؛ برای این کنش F^A را به کار می‌گیریم (Searl, 1969: 57-61).
- از آنجا که داستان مقامه‌های مورد بحث ما درباره‌ی مواجه شدن با انسانی پرحرف و آسیب دیدن از حرّافی و پرگویی اوست، به کار بردن این رمزگان‌ها نتایج پژوهش را در جهت تحلیل و بررسی کیفیت اقناع و بیان مؤثر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌کند (پهلوان‌نژاد و ناصری، ۱۳۸۷: ۴۰)؛ به این ترتیب، با بهره‌گیری از این رمزگان‌ها علاوه بر بیان موقعیت کیفی گزاره‌ها و انعکاس بُعد معنایی روایت، می‌توان دریافت که نویسندگان دو متن متفاوت برای نشان دادن پرحرفی شخصیت داستان خویش در موقعیت‌های متفاوت از کدام کنش گفتاری خاص استفاده کرده‌اند.

۲-۳- گزارش داستان

در این روایات، قهرمان با جمع یاران خود به ضیافتی فراخوانده می‌شود و به هنگام گستردن سفره و به محض دیدن نوع خاصی از غذا آشفته می‌شود و تصمیم به ترک مجلس می‌گیرد. دوستان او با دور کردن آن غذا از سفره او را آرام می‌کنند و علت این حرکت عجیب را جویا می‌شوند. قهرمان اذعان می‌کند که این غذا تداعی کننده‌ی خاطره‌ای ناگوار در زندگی‌اش می‌باشد و در توضیح به بیان داستانی درباره‌ی مواجه شدن با انسانی پرحرف و آسیب دیدن از حرّافی و پرگویی او می‌پردازد که توجیه کننده‌ی عمل اوست. دوستان و یاران قهرمان پس از شنیدن این داستان برای ابراز همدردی و موافقت با او همگی سوگند یاد می‌کنند که هرگز لب به این غذا نزنند.

۳-۳- روش کار^۱

برای انجام این مقایسه ابتدا روایت را تقطیع می‌کنیم و واحدهای روایی پایه هر دو متن را به دست می‌آوریم. بدین منظور آن‌ها را به کوچک‌ترین اجزای معنادار تقسیم می‌کنیم. این اجزای کوچک معنادار که مبنای مقایسه ما قرار خواهند گرفت، «گزاره» نامیده می‌شوند. « گزاره، واحد بنیادین داستان و متشکل از یک موضوع و محمول است که به انعکاس چنین وضعیت‌هایی می‌پردازد: y, x ، x, y است ... x, y را انجام می‌دهد... گزاره‌ها در سطحی بالاتر با ارتباط زمانی، مکانی و علی در پی رفت‌ها به هم می‌پیوندند» (Prince, 2003: 80).

پس از تقطیع روایت به گزاره‌ها، آن‌ها را بر اساس رمزگان‌های مربوط به نظریه کنش گفتاری دسته‌بندی می‌کنیم. پس از دسته‌بندی رمزگان‌ها برای نشان دادن گشتارهای مختلف، این رمزگان‌ها را در چهارچوب پی رفت‌ها (sequence) با یکدیگر مقایسه می‌کنیم. « پی رفت‌ها سطحی بالاتر از گزاره‌ها هستند که می‌تواند روایتی فرعی محسوب شود که در دل روایت اصلی تعبیه شده است... یک پی رفت ابتدایی از سه نقش مطابق با سه مرحله تشکیل می‌شود: شرایطی فراهم شده برای یک امکان، تحقق امکان و نتیجه» (همان: ۸۸).

۴-۳- مقایسه مقامه « فی السکباج » با مقامه « المصیریه »

در این بخش تمام جمله‌های هر دو متن با عدد شماره گذاری شده‌است و به دلیل طولانی شدن کلام، فقط در پی رفت نخست مصداق‌های هر دو متن را می‌آوریم. در پی رفت‌های دیگر از ذکر کامل جمله‌های هر دو متن خودداری شده است و به جای آوردن جمله‌های (گزاره‌ها) هر دو متن از عدد مربوط به آن استفاده کرده‌ایم و در کنار آن عدد، رمزگان مربوط به آن جمله (گزاره) را آورده‌ایم؛ به عنوان مثال، علامت (F^R_3) در پی رفت دوم؛ یعنی این که در سومین جمله از متن این پی رفت، «کنش گفتاری تصریحی» که دارای رمزگان (F^R) می‌باشد، وجود دارد و علامت (F^R_4) یعنی این که در چهارمین جمله از این متن کنش گفتاری تصریحی وجود دارد....

	پی رفت A: معرفی اولین راوی
اولین پی رفت از مقامه «فی السکباج»	اولین پی رفت از «المقامه المصیریه»

حکایت کرد مرا ^{FR} دوستی که پیشرو ارباب وفا بود ^{FR} و سر دفتر اخوان صفا ^{FR} که :	حَدَّثَنَا عَيْسَى بْنُ هِشَامٍ ^{FR} قَالَ: ^{FR}
---	---

در این پی رفت نویسنده هر دو متن به معرفی راوی مقامه‌هایشان می‌پردازند. در روایت بدیع الزمان همدانی در دو گزاره فردی به نام «عیسی بن هشام» به عنوان راوی معرفی می‌گردد و در روایت قاضی حمیدالدین در سه گزاره «دوستی که پیشرو ارباب وفا بود»، به عنوان راوی معرفی می‌گردد.

پی رفت B: بیان توصیفی از زمان جوانی راوی	
دومین پی رفت از مقامه «فی السکباج»	«المقامة المصيرية»...
^{FR} ₁ - ^{FR} ₂ - ^{FR} ₃ - ^{FR} ₄ - ^{FR} ₅ - ^{FR} ₆ - ^{FR} ₇ - ^{FR} ₈ - ^{FR} ₉ - ^{FR} ₁₀ - ^{FR} ₁₁ - ^{FR} ₁₂ - ^{FR} ₁₃ - ^{FR} ₁₄ - ^{FR} ₁₅ - ^{FR} ₁₆ - ^{FR} ₁₇ - ^{FR} ₁₈ - ^{FR} ₁₉ - ^{FR} ₂₀ - ^{FR} ₂₁ - ^{FR} ₂₂ - ^{FR} ₂₃ - ^{FR} ₂₄ - ^{FR} ₂₅

این پی رفت در روایت بدیع الزمان نیامده است و قاضی حمیدالدین آن را به اصل روایت افزوده است. او در این پی رفت در بیست و پنج گزاره به توصیف زمان روایت می‌پردازد. زمان، مربوط به دوران جوانی راوی است؛ زمانی که عمرش دارای طراوتی بوده با جمعی از یارانش بساط نشاط بر پا می‌کرده و هر شب حریفی خوش گوی بر می‌گزیده است.

پی رفت C: حضور راوی اول و راوی دوم در یک ضیافت	
دومین پی رفت از	سومین پی رفت از مقامه «فی السکباج»

	«المَقَامَةُ الْمُضِيرِيَّةُ»
$F^R_1 - F^R_2 - F^R_3 - F^R_4 - F^R_5 - F^R_6 - F^R_7 - F^R_8 - F^R_9 -$ $F^R_{10} - F^R_{11} - F^R_{12} - F^R_{13} - F^R_{14} - F^R_{15} - F^R_{16} - F^R_{17} - F^R_{18} -$ $F^R_{19} - F^R_{20} - F^R_{21} - F^R_{22} - F^R_{23} - F^R_{24} - F^R_{25} - F^R_{26} - F^R_{27} -$ $F^R_{28} - F^R_{29} - F^R_{30} - F^R_{31} - F^R_{32} - F^R_{33} - F^R_{34} - F^R_{35} -$ $F^R_{36} - F^R_{37} - F^R_{38} - F^R_{39} - F^R_{40} - F^R_{41} - F^R_{42} - F^R_{43} - F^R_{44} -$ $F^R_{45} - F^R_{46} - F^R_{47} - F^R_{48} - F^R_{49} - F^R_{50} - F^D_{51} - F^R_{52} - F^R_{53} -$ $F^R_{54} - F^R_{55} - F^D_{56} - F^R_{57} - F^R_{58} - F^R_{59} - F^R_{60} - F^R_{61} -$ $F^R_{62} - F^D_{63} - F^R_{64} - F^R_{65} - F^R_{66} - F^R_{67} - F^R_{68} - F^R_{69} -$ $F^R_{70} - F^R_{71} - F^R_{72} - F^R_{73} - F^R_{74} - F^D_{75} - F^R_{76} -$ $F^R_{77} - F^R_{78} - F^R_{79} - F^D_{80} - F^R_{81} - F^R_{82} - F^R_{83} - F^R_{84} -$ $F^R_{85} - F^R_{86} - F^R_{87} - F^R_{88} - F^R_{89} - F^R_{90}$	$F^R_1 - F^R_2 - F^R_3 -$ $F^R_4 - F^R_5 - F^R_6 - F^R_7$

این پی رفت به روایت بدیع الزمان در هفت گزاره از مکان روایت و معرفی قهرمانان آن سخن می‌آید. در این پی رفت راوی می‌گوید که به همراه راوی دوم («ابوالفتح اسکندری» در داستان بدیع الزمان و «پیری ادیب» در داستان قاضی حمیدالدین) در میهمانی یکی از تاجران حاضر می‌شوند. مطالب این پی رفت را قاضی حمیدالدین در نمود گزاره گسترش داده است.

پی رفت D: بیان توصیفی از غذای خاص

ضیافت

چهارمین پی رفت از مقامه «فی السکباج»	سومین پی رفت از «المَقَامَةُ الْمُضِيرِيَّةُ»
$F^R_1 - F^R_2 - F^R_3 - F^R_4 - F^R_5 - F^R_6 - F^R_7 - F^R_8 - F^R_9 -$ $F^R_{10} - F^R_{11} - F^R_{12} - F^R_{13} - F^R_{14} - F^R_{15} - F^R_{16} - F^R_{17} - F^R_{18} -$ $F^R_{19} - F^R_{20} - F^R_{21} - F^R_{22} - F^R_{23} - F^R_{24} - F^R_{25} - F^R_{26} - F^R_{27} -$	$F^R_1 - F^R_2 - F^R_3 -$ $- F^R_4 - F^R_5 - F^R_6 -$ $F^R_7 - F^R_8$

$F_{28}^R - F_{29}^R - F_{30}^R - F_{31}^R - F_{32}^R - F_{33}^R - F_{34}^R - F_{35}^R$	
---	--

این پی رفت به روایت بدیع الزمان در هشت گزاره شامل توصیف غذای اصلی (در روایت بدیع الزمان « مضیریه» و در روایت قاضی حمیدالدین «سکبا») است که در میهمانی جهت پذیرایی ارائه شده است. این توصیف را قاضی حمیدالدین در سی و پنج گزاره گسترش داده است.

پی رفت E: بیان توصیفی از پریشانی راوی دوم پس از مشاهده غذای اصلی	
چهارمین پی رفت از «المقامة المضیریه» پنجمین پی رفت از مقامه «فی السکباج»	
$F_1^R - F_2^R - F_3^R - F_4^R - F_5^R - F_6^R - F_7^R - F_8^R - F_9^R - F_{10}^R - F_{11}^R - F_{12}^R - F_{13}^R - F_{14}^R - F_{15}^R - F_{16}^R - F_{17}^R - F_{18}^R - F_{19}^R - F_{20}^R - F_{21}^R - F_{22}^R - F_{23}^R - F_{24}^R - F_{25}^R - F_{26}^R - F_{27}^D - F_{28}^R - F_{29}^R - F_{30}^R - F_{31}^D - F_{32}^D - F_{33}^R - F_{34}^R - F_{35}^R - F_{36}^R - F_{37}^R - F_{38}^R - F_{39}^D - F_{40}^R - F_{41}^R - F_{42}^R - F_{43}^R - F_{44}^R - F_{45}^R - F_{46}^R - F_{47}^R - F_{48}^R - F_{49}^R - F_{50}^R - F_{51}^R - F_{52}^D$	$F_1^R - F_2^R - F_3^R - F_4^R - F_5^R - F_6^R - F_7^R - F_8^R - F_9^R - F_{10}^R - F_{11}^R - F_{12}^R - F_{13}^R - F_{14}^R - F_{15}^R - F_{16}^R - F_{17}^R - F_{18}^R$

در این بخش بدیع الزمان با هجده گزاره به بیان این مطلب می‌پردازد که راوی دوم به محض دیدن غذای اصلی آشفته می‌شود و تصمیم به ترک مجلس می‌گیرد. یاران او با دیدن این منظره مانع خروج او می‌شوند و او در پاسخ اعلام می‌کند که حضور مجدد او مشروط به خارج کردن آن غذا از سفره است. یاران نیز به خواسته او تن در می‌دهند. این بخش از داستان در روایت قاضی حمیدالدین با پنجاه و دو گزاره گسترش یافته است.

پی رفت F: بیان سخنان راوی دوم در توضیح دلیل

پیشانی	
ششمین پی رفت از مقامه «فی السکباج»	پنجمین پی رفت از «المقامه المَضِرِّيَّة»
$F^R_1 - F^R_2 - F^R_3 - F^R_4$	$F^R_1 - F^R_2 - F^R_3 - F^R_4 - F^R_5 - F^D_6$

در این پی رفت بدیع الزمان با شش گزاره توضیح و توجیه راوی دوم را درباره علت تغییر رفتارش بیان می کند که این بخش در روایت قاضی حمیدالدین شامل چهار گزاره است؛ بنابراین، در این پی رفت اولین تغییر کمی تقلیلی در روایت قاضی حمیدالدین رخ می دهد.

پی رفت G: آغاز روایت درونه‌ای به روایت راوی دوم	
ششمین پی رفت از «المقامه المَضِرِّيَّة»	هفتمین پی رفت از مقامه «فی السکباج»
$F^R_1 - F^R_2 - F^R_3 - F^R_4 - F^R_5 - F^R_6 - F^R_7 - F^R_8 - F^R_9 - F^D_{10} - F^R_{11} - F^R_{12} - F^R_{13} - F^R_{14} - F^R_{15} - F^R_{16} - F^R_{17} - F^R_{18} - F^D_{19} - F^D_{20} - F^R_{21} - F^R_{22} - F^R_{23} - F^R_{24} - F^R_{25} - F^D_{26} - F^R_{27} - F^R_{28} - F^R_{29} - F^R_{30} - F^R_{31} - F^R_{32} - F^R_{33} - F^R_{34} - F^C_{35} - F^C_{36} - F^R_{37} - F^R_{38} - F^R_{39} - F^R_{40} - F^R_{41} - F^R_{42} - F^R_{43} - F^D_{44} - F^D_{45} - F^R_{46} - F^R_{47} - F^R_{48} - F^R_{49} - F^R_{50} - F^R_{51} - F^R_{52}$	$F^R_1 - F^R_2 - F^R_3 - F^R_4 - F^R_5 - F^R_6$

در این پی رفت در روایت بدیع الزمان، راوی دوم شروع به بیان خاطره‌ای ناگوار می کند که با غذای اصلی مرتبط است. این پی رفت با شش گزاره در بردارنده بخش آغازین آن خاطره یا روایت درونه‌ای است که شامل آشنایی راوی دوم با غریبه‌ای است که با اصرار فراوان راوی را به میهمانی در منزلش فرامی خواند و راوی نیز دعوت او را اجابت می کند. این مطلب را قاضی حمیدالدین در پنجاه و دو گزاره گسترش داده است.

پی رفت H: پرحرفی راوی سوم در توصیف

همسرش	
<p>نهمین پی رفت از مقامه «فی السکاج»</p>	<p>هفتمین پی رفت از «المقامه المضریه»</p>
$F^R_1 - F^D_2 - F^R_3 - F^R_4 - F^R_5 - F^R_6 - F^R_7 - F^R_8 -$ $F^R_9 - F^R_{10} - F^R_{11} - F^R_{12} - F^R_{13} - F^R_{14} - F^R_{15} -$ $F^R_{16} - F^R_{17} - F^R_{18} - F^R_{19} - F^R_{20} - F^R_{21} - F^R_{22} - F^D_{23}$ $- F^R_{24} - F^R_{25} - F^R_{26} - F^R_{27} - F^R_{28} - F^R_{29} - F^R_{30} - F^R_{31} -$ $F^R_{32} - F^R_{33} - F^D_{34} - F^R_{35} - F^R_{36} - F^R_{37} - F^R_{38} - F^R_{39}$ $- F^R_{40} - F^R_{41} - F^R_{42} - F^R_{43} - F^R_{44} - F^R_{45} - F^R_{46} -$ $F^R_{47} - F^R_{48} - F^R_{49} - F^R_{50} - F^R_{51} - F^R_{52} - F^R_{53} - F^R_{54}$ $- F^R_{55} - F^R_{56} - F^R_{57} - F^R_{58} - F^R_{59} - F^R_{60} - F^R_{61} -$ $F^E_{62} - F^E_{63} - F^D_{64} - F^D_{65} - F^D_{66} - F^R_{67} - F^R_{68} - F^R_{69} -$ $F^R_{70} - F^R_{71} - F^D_{72} - F^R_{73} - F^R_{74} - F^R_{75} - F^R_{76} - F^R_{77} -$ $F^D_{78} - F^R_{79} - F^C_{80}$	$F^R_1 - F^R_2 - F^R_3$ $- F^R_4 - F^R_5 - F^R_6 -$ $F^R_7 - F^R_8 - F^R_9 -$ $F^R_{10} - F^R_{11} - F^R_{12} -$ $F^R_{13} - F^R_{14} - F^R_{15}$ $- F^R_{16} - F^R_{17} - F^E_{18}$ $- F^R_{19} - F^R_{20} - F^R_{21} -$ $F^R_{22} - F^R_{23} - F^R_{24}$ $- F^R_{25} - F^R_{26} -$ $F^R_{27} - F^R_{28} - F^R_{29}$ $- F^R_{30}$

در این پی رفت در روایت بدیع الزمان راوی دوم در سی گزاره از ملول شدن از پرحرفی میزبان در توصیف و مدح همسرش سخن سر می‌دهد. همین مطلب را قاضی حمیدالدین در هشتاد گزاره بیان کرده است، با این تفاوت که در روایت او این توصیف با جابه‌جایی در چینش پی رفت‌ها رخ می‌دهد؛ به این ترتیب که قاضی ابتدا پراگویی میزبان در توصیف محله‌اش (پیرفت I) را می‌آورد و پس از آن در توصیف همسرش (پیرفت H) سخن‌پردازی می‌کند.

پی رفت I: پرحرفی راوی سوم در توصیف محله‌اش

هشتمین پی رفت از مقامه «فی السکاج»	هشتمین پی رفت از «المقامه المَضْرِبِيَّةُ»
$F^R_1 - F^R_2 - F^D_3 - F^R_4 - F^R_5 - F^R_6 - F^R_7 - F^R_8 -$ $F^R_9 - F^R_{10} - F^R_{11} - F^R_{12} - F^R_{13} - F^R_{14} - F^D_{15} - F^R_{16} -$ $F^R_{17} - F^R_{18} - F^R_{19} - F^R_{20} - F^R_{21} - F^R_{22} - F^R_{23} - F^R_{24} -$ $F^R_{25} - F^R_{26} - F^R_{27}$	$F^R_1 - F^D_2 - F^R_3 -$ $F^R_4 - F^R_5 - F^R_6 - F^R_7 -$ $F^R_8 - F^R_9$

در این پی رفت بدیع الزمان در نه گزاره به گزارش حرافی‌های میزبان در مدح و توصیف محله‌ای که خانه‌اش در آن قرار گرفته می‌پردازد. این بخش از داستان با جابه‌جایی در چینش پی رفت، در روایت قاضی حمیدالدین با بیست و هفت گزاره گسترش می‌یابد؛ به این ترتیب که قاضی حمیدالدین پی رفت مربوط به پرگویی میزبان در توصیف محله‌اش (پیرفت I) را قبل از پی رفت مربوط به توصیف همسرش (پیرفت H) می‌آورد.

	پی رفت J: پرحرفی راوی سوم در توصیف منزلش
دهمین پی رفت از مقامه «فی السکاج»	نهمین پی رفت از «المقامه المَضْرِبِيَّةُ»
$F^R_1 - F^R_2 - F^D_3 -$ $F^D_4 - F^R_5 - F^D_6 - F^R_7 -$ $F^D_8 - F^R_9 - F^D_{10} -$ $F^D_{11} - F^R_{12} - F^R_{13} -$ $F^R_{14} - F^R_{15} - F^R_{16} -$ $F^R_{17} - F^R_{18} - F^R_{19}$	$F^D_1 - F^D_2 - F^R_3 - F^R_4 - F^R_5 - F^R_6 - F^R_7 - F^R_8 -$ $F^R_9 - F^R_{10} - F^R_{11} - F^R_{12} - F^R_{13} - F^R_{14} - F^D_{15} - F^R_{16} -$ $F^R_{17} - F^R_{18} - F^D_{19} - F^D_{20} - F^D_{21} - F^R_{22} - F^D_{23} - F^D_{24} -$ $F^D_{25} - F^D_{26} - F^R_{27} - F^R_{28} - F^R_{29} - F^R_{30} - F^R_{31} - F^D_{32} -$ $F^R_{33} - F^R_{34} - F^R_{35} - F^R_{36} - F^R_{37} - F^C_{38} - F^R_{39} - F^R_{40} -$ $F^D_{41} - F^R_{42} - F^R_{43} - F^D_{44} - F^D_{45} - F^D_{46} - F^C_{47} - F^R_{48} -$ $F^R_{49} - F^R_{50} - F^R_{51} - F^D_{52} - F^D_{53} - F^D_{54} - F^D_{55} - F^D_{56} -$ $F^D_{57} - F^D_{58} - F^D_{59} - F^D_{60} - F^D_{61}$

در این پی رفت بدیع الزمان در شصت و یک گزاره به توصیف ملال آور میزبان درباره‌ی لوازم منزل و چگونگی تصاحب کردن آن‌ها می‌پردازد. این بخش در روایت قاضی

حمیدالدین با نوزده گزاره روایت شده است؛ بنابراین، در این پی رفت دومین تغییر کمی تقلیلی در روایت قاضی حمیدالدین رخ می‌دهد.

پی رفت K: (روایت درونه‌ای سوم به روایت راوی سوم درباره چگونگی تصاحب منزلش)

یازدهمین پی رفت از مقامه «فی السکباج»	دهمین پی رفت از «المقامه المَضیریه»
$F_1^D - F_2^D - F_3^D - F_4^R - F_5^R - F_6^R - F_7^R - F_8^R - F_9^R - F_{10}^R - F_{11}^R - F_{12}^R - F_{13}^R - F_{14}^R - F_{15}^R - F_{16}^R - F_{17}^R - F_{18}^R - F_{19}^R - F_{20}^R - F_{21}^R - F_{22}^R - F_{23}^R - F_{24}^R - F_{25}^R - F_{26}^R - F_{27}^R - F_{28}^C - F_{29}^C - F_{30}^R - F_{31}^D - F_{32}^R - F_{33}^R - F_{34}^C - F_{35}^C$	$F_1^R - F_2^R - F_3^R - F_4^R - F_5^R - F_6^D - F_7^R - F_8^R - F_9^R - F_{10}^R - F_{11}^R - F_{12}^R - F_{13}^R - F_{14}^R - F_{15}^R - F_{16}^R - F_{17}^R - F_{18}^R - F_{19}^R - F_{20}^R - F_{21}^R - F_{22}^R - F_{23}^R - F_{24}^R - F_{25}^R - F_{26}^R - F_{27}^R - F_{28}^R - F_{29}^R - F_{30}^R - F_{31}^R - F_{32}^R - F_{33}^R - F_{34}^R - F_{35}^R - F_{36}^R - F_{37}^R - F_{38}^R$

این پی رفت ادامه سخنان غریبه است با روایتی درونه‌ای درباره چگونگی به دست آوردن منزلش در سی و هشت گزاره که قاضی حمیدالدین این روایت را در سی و پنج گزاره خلاصه کرده است؛ بنابراین، در روایت قاضی حمیدالدین سومین تغییر کمی تقلیلی رخ می‌دهد.

پی رفت L: پرحرفی راوی سوم در توصیف و تصاحب گردن‌بندی (روایت درونه‌ای چهارم به روایت راوی سوم)	
یازدهمین پی رفت از «المقامه المَضیریه»	مقامه «فی السکباج»...
$F_1^R - F_2^R - F_3^R - F_4^D - F_5^R - F_6^R - F_7^R - F_8^R - F_9^R - F_{10}^R - F_{11}^C - F_{12}^C - F_{13}^R - F_{14}^R - F_{15}^R - F_{16}^R - F_{17}^R$

این پی رفت شامل هفده گزاره است که فقط در روایت بدیع الزمان آمده است و قاضی حمیدالدین با امتناع از روایت کردن این بخش برای چهارمین بار از تغییر کمی تقلیلی استفاده کرده است.

پی رفت M: پرحرفی راوی سوم در توصیف لوازم منزلش	
دوازدهمین پی رفت از مقامه «فی السکباج»	دوازدهمین پی رفت از «المقامة المَضِرَّة»
$-F^R_1 - F^R_2 - F^R_3$ $-F^D_4 - F^R_5 - F^R_6 -$ $F^R_7 - F^R_8 - F^R_9$	$F^R_1 - F^R_2 - F^R_3 - F^R_4 - F^R_5 - F^R_6 - F^R_7 - F^R_8 -$ $F^R_9 - F^D_{10} - F^R_{11} - F^R_{12} - F^R_{13} - F^R_{14} - F^R_{15} -$ $F^R_{16} - F^D_{17} - F^R_{18} - F^R_{19} - F^R_{20} - F^D_{21} - F^R_{22} - F^R_{23}$ $- F^R_{24} - F^R_{25} - F^R_{26} - F^R_{27} - F^D_{28} - F^R_{29} - F^R_{30} -$ $F^D_{31} - F^D_{32} - F^D_{33} - F^D_{34} - F^D_{35} - F^D_{36} - F^D_{37} - F^R_{38} -$ $F^R_{39} - F^D_{40} - F^R_{41} - F^D_{42} - F^D_{43} - F^R_{44} - F^R_{45} - F^R_{46} -$ $F^R_{47} - F^R_{48} - F^R_{49} - F^D_{50} - F^R_{51} - F^R_{52} - F^R_{53} - F^R_{54} -$ $F^R_{55} - F^R_{56} - F^R_{57} - F^D_{58} - F^D_{59} - F^D_{60} - F^R_{61} - F^R_{62} -$ $F^D_{63} - F^R_{64} - F^R_{65} - F^R_{66} - F^R_{67} - F^R_{68} - F^R_{69} - F^R_{70} -$ $F^R_{71} - F^R_{72} - F^D_{73} - F^R_{74} - F^D_{75} - F^R_{76} - F^R_{77} - F^R_{78} -$ $F^R_{79} - F^R_{80} - F^R_{81} - F^R_{82} - F^R_{83} - F^R_{84} - F^R_{85} - F^D_{86} -$ $F^R_{87} - F^R_{88} - F^R_{89} - F^R_{90} - F^R_{91} - F^R_{92} - F^R_{93} - F^R_{94} -$ $F^R_{95} - F^R_{96} - F^R_{97} - F^R_{98} - F^R_{99} - F^R_{100} - F^R_{101} -$ $F^R_{102} - F^R_{103} - F^D_{104} - F^R_{105} - F^D_{106} - F^R_{107} - F^D_{108} -$ $F^R_{109} - F^R_{110} - F^R_{111} - F^R_{112} - F^R_{113} - F^R_{114} - F^R_{115} -$ $F^R_{116} - F^R_{117} - F^D_{118} - F^D_{119} - F^D_{120} - F^D_{121} - F^D_{122} -$ $F^R_{123} - F^R_{124} - F^D_{125} - F^R_{126} - F^D_{127} - F^R_{128}$

این پی رفت نیز ادامه سخنان غریبه است که در آن به فخرفروشی و توصیف لوازم منزلش می‌پردازد. در روایت بدیع الزمان صد و بیست و هشت گزاره به این بخش اختصاص داده شده است؛ ولی قاضی حمیدالدین این بخش را در نه گزاره خلاصه کرده است؛ بنابراین، در این جا پنجمین تغییر کمی تقلیلی روایت قاضی حمیدالدین رخ می‌دهد.

پی رفت N: به ستوه آمدن راوی دوم و فرار کردن از منزل راوی سوم	
سیزدهمین پی رفت از «المَقَامَةُ الْمَضِيرِيَّةُ»	سیزدهمین پی رفت از مقامه «فی السَّكَبِاجِ»
$F^R_1 - F^R_2 - F^R_3 - F^R_4 - F^R_5 - F^D_6 - F^D_7 - F^D_8 - F^D_9 - F^D_{10} - F^D_{11} - F^R_{12} - F^D_{13} - F^D_{14} - F^D_{15} - F^D_{16} - F^R_{17} - F^R_{18} - F^R_{19} - F^R_{20} - F^R_{21} - F^R_{22} - F^D_{23} - F^D_{24} - F^D_{25} - F^D_{26} - F^D_{27} - F^D_{28} - F^D_{29} - F^D_{30} - F^D_{31} - F^D_{32} - F^R_{33} - F^D_{34} - F^D_{35} - F^D_{36} - F^D_{37} - F^D_{38} - F^D_{39} - F^D_{40} - F^D_{41} - F^D_{42} - F^D_{43} - F^R_{44} - F^R_{45} - F^R_{46} - F^R_{47} - F^D_{48} - F^R_{49} - F^R_{50} - F^R_{51} - F^D_{52} - F^D_{53} - F^R_{54} - F^R_{55} - F^R_{56} - F^R_{57} - F^R_{58} - F^R_{59} - F^R_{60} - F^R_{61} - F^R_{62} - F^R_{63} - F^R_{64} - F^R_{65} - F^D_{66} - F^R_{67} - F^R_{68} - F^R_{69} - F^R_{70}$	$F^E_1 - F^E_2 - F^E_3 - F^E_4 - F^E_5 - F^E_6 - F^R_7 - F^R_8 - F^R_9 - F^R_{10} - F^R_{11} - F^R_{12} - F^R_{13} - F^D_{14} - F^D_{15} - F^D_{16} - F^D_{17} - F^D_{18} - F^D_{19} - F^D_{20} - F^D_{21} - F^D_{22} - F^D_{23} - F^R_{24} - F^R_{25} - F^R_{26} - F^R_{27} - F^R_{28} - F^R_{29} - F^R_{30} - F^R_{31} - F^R_{32} - F^R_{33} - F^R_{34} - F^R_{35} - F^D_{36} - F^D_{37} - F^R_{38} - F^R_{39} - F^R_{40} - F^R_{41} - F^R_{42} - F^R_{43} - F^R_{44}$

این پی رفت مربوط به عکس‌العمل راوی دوم در مقابل زیاده‌روی میزبان در پرحرفی و فخرفروشی است. در روایت بدیع الزمان فرار میهمان از ضیافت در هفتاد گزاره گزارش شده است که این بخش را قاضی حمیدالدین در چهل و چهار گزاره خلاصه کرده است؛ بنابراین، در این جا ششمین تغییر کمی تقلیلی روایت قاضی حمیدالدین رخ می‌دهد.

پی رفت O: زندانی شدن راوی دوم پس از فرار از منزل راوی سوم	
چهاردهمین پی رفت از مقامه «فی السکباج»	چهاردهمین پی رفت از «المقامه المصیریه»
$F^R_1 - F^R_2 - F^R_3 - F^R_4 - F^R_5 - F^R_6 - F^R_7 - F^R_8 - F^R_9 - F^R_{10} - F^R_{11}$	$F^R_1 - F^R_2 - F^R_3 - F^R_4 - F^R_5 - F^R_6 - F^R_7 - F^R_8 - F^R_9 - F^R_{10} - F^R_{11} - F^R_{12}$

در این پی رفت راوی دوم بیان می کند که پس از فرار از منزل میزبان از فرط ملالت و ناراحتی دچار خطایی غیر عمد می شود. به همین دلیل مجبور می شود مدت زمانی طولانی را در حبس به سر ببرد. این بخش از روایت دوازده گزاره از روایت بدیع الزمان و یازده گزاره از روایت قاضی حمیدالدین را به خود اختصاص داده است.

پی رفت P: بیان چگونگی رها شدن راوی دوم از زندان	
پانزدهمین پی رفت از مقامه «فی السکباج»	«المقامه المصیریه»...
$F^R_1 - F^R_2 - F^R_3 - F^R_4 - F^R_5 - F^R_6 - F^R_7 - F^R_8 - F^R_9 - F^R_{10} - F^R_{11} - F^R_{12} - F^R_{13} - F^R_{14} - F^R_{15} - F^R_{16} - F^R_{17} - F^R_{18} - F^R_{19} - F^R_{20} - F^R_{21} - F^R_{22} - F^R_{23} - F^R_{24} - F^R_{25} - F^R_{26} - F^R_{27}$...

این پی رفت در روایت بدیع الزمان نیامده است و قاضی حمیدالدین این پی رفت را که شامل بیست و هفت گزاره است، برای استحکام پیرنگ داستان خویش به اصل داستان افزوده است که شامل توصیفی از احوال راوی دوم در زندان و چگونگی رها شدن از آن

پی رفت Q: بیان سوگند راوی دوم درباره ترک خوردن غذای اصلی راوی سوم تا آخر عمر	
شانزدهمین پی رفت از مقامه «فی السکباج»	شانزدهمین پی رفت از «المقامه المصیریه»
$F^R_1 - F^R_2 - F^R_3 - F^R_4 - F^R_5 - F^C_6 - F^C_7$	F^C_1

است.

این پی رفت در روایت بدیع‌الزمان شامل یک گزاره است که از زبان راوی دوم روایت می‌شود. او در این تک گزاره از سوگند خویش درباره امتناع از خوردن آن غذا یاد

پیرفت R: ابراز هم‌دردی یاران با راوی دوم و پذیرفتن عذرش	
شانزدهمین پی رفت از «المقامة المضرية»	هفدهمین پی رفت از مقامه «فی السکباج»
$F_1^D - F_2^R - F_3^R - F_4^R - F_5^R - F_6^R - F_7^R - F_8^R - F_9^R - F_{10}^R - F_{11}^R - F_{12}^C - F_{13}^C - F_{14}^R - F_{15}^R - F_{16}^R - F_{17}^D - F_{18}^D - F_{19}^R - F_{20}^R - F_{21}^R - F_{22}^R - F_{23}^R - F_{24}^R$	$F_1^R - F_2^R - F_3^C - F_4^C - F_5^R - F_6^R - F_7^R - F_8^R - F_9^R - F_{10}^R - F_{11}^R - F_{12}^C - F_{13}^C - F_{14}^R - F_{15}^R - F_{16}^R - F_{17}^D - F_{18}^D - F_{19}^R - F_{20}^R - F_{21}^R - F_{22}^R - F_{23}^R - F_{24}^R$

می‌کند. این نکته در روایت قاضی حمیدالدین با هفت گزاره گسترش می‌یابد.

این پی رفت که شامل پایان بندی داستان مقامه است، در روایت بدیع‌الزمان با هفت گزاره خاتمه می‌یابد. محتوای این پی رفت ابراز هم‌دردی یاران با راوی دوم و سوگند خوردن آن‌ها نیز در امتناع از خوردن این غذا تا پایان عمر است که در روایت قاضی حمیدالدین با بیست و چهار گزاره گسترش می‌یابد.

۵-۳- تحلیل آماری داده‌ها

جدول‌های ذیل تصویر واضحی را از حضور و غیبت کنش‌های گفتاری در گزاره‌های مقامه‌های المضرية از بدیع‌الزمان همدانی و مقامه فی السکباج از مقامات حمیدی، ارائه می‌دهد. لازم به ذکر است که علامت (∅) در این جدول‌ها؛ یعنی این که کنش گفتاری مورد نظر در این پی رفت موجود نیست؛ علامت (-)؛ یعنی این که فقط یک کنش گفتاری در این پی رفت دیده می‌شود؛ اعداد تعداد کنش‌های بیشتر از یک را نشان می‌دهد.

جدول های الف- آرایش انواع کنش های گفتاری (کنش های تصریحی یا اظهاری (F^R)، کنش های ترغیبی (F^D)، کنش های عاطفی (F^E)، کنش های تعهدی (F^C) و کنش های اعلانی (F^A) در هر پی رفت از کل روایت به ترتیب بسامد تکرار کنش

«المقامة المصيرية»					
	F ^R	F ^D	F ^C	F ^E	F ^A
A	۱	∅	∅	∅	∅
C	۷	∅	∅	∅	∅
D	۸	∅	∅	∅	∅
E	۱۸	∅	∅	∅	∅
F	۵	-	∅	∅	∅
G	۶	∅	∅	∅	∅
H	۳۰	∅	∅	∅	∅
I	۹	-	∅	∅	∅
J	۳۴	۲۵	۱	∅	∅
K	۳۷	-	∅	∅	∅
L	۱۴	-	۱	∅	∅
M	۹۴	۳۲	∅	∅	∅
N	۳۶	۳۴	∅	∅	∅
O	۱۲	∅	∅	∅	∅
Q	∅	∅	-	∅	∅
R	۶	-	∅	∅	∅

مقاومة «في السكاج»					
	F ^R	F ^D	F ^C	F ^E	F ^A
A	۳	∅	∅	∅	∅
B	۲۵	∅	∅	∅	∅
C	۸۵	۵	∅	∅	∅
D	۳۵	∅	∅	∅	∅
E	۴۷	۵	∅	∅	∅
F	۴	∅	∅	∅	∅
G	۴۴	۶	1	∅	∅
H	۷۰	۸	-	∅	∅
I	۳۴	۱	∅	-	∅
J	۱۳	۶	∅	∅	∅
K	۲۷	۴	4	∅	∅
M	۸	-	∅	∅	∅
N	۲۵	۱۲	∅	۶	∅
O	۱۱	∅	∅	∅	∅
P	۲۷	∅	∅	∅	∅
Q	۵	∅	1	∅	∅
R	۱۸	1	4	∅	∅

جدول های ب- گزارش تعدد غیبت انواع کنش های گفتاری (کنش های
تصریحی یا اظهاری (F^R)، کنش های ترغیبی (F^D)، کنش های عاطفی (F^E)، کنش های
تعهدی (F^C) و کنش های اعلانی (F^A) در کل پی رفت های هر دو مقامه

					المُضِرِّيَّةُ
F^A	F^E	F^C	F^D	F^R	گزاره
۱۶	۱۶	۱۳	۸	۱	کاستی ها

					فی السکباج
F^A	F^E	F^C	F^D	F^R	گزاره
۱۷	۱۵	۱۲	۷	۰	کاستی ها

جدول های ج- گزارش تکثر انواع کنش های گفتاری (کنش های تصریحی
یا اظهاری (F^R)، کنش های ترغیبی (F^D)، کنش های عاطفی (F^E)، کنش های تعهدی
(F^C) و کنش های اعلانی (F^A) در کل پی رفت های هر دو مقامه

					المُضِرِّيَّةُ
F^R	F^D	F^C	F^E	F^A	گزاره
۳۱۸	۹۶	۵	۰	۰	افزونی ها

					فی السکباج
F^R	F^D	F^E	F^C	F^A	گزاره
۴۸۱	۵۱	۷	۳	۰	افزونی ها

از تحلیل بسامد این جدول ها برمی آید که کمترین کنش استفاده شده در این جدول ها مربوط به کنش های اعلانی (F^A) است که در هیچ پی رفتی از هر دو مقامه حضور ندارد. این کنش که مربوط به نام گذاری یک واقعه و اعلان یک رخداد است، به این دلیل در این روایات کاربرد ندارد که متون مورد نظر، متونی ادبی - داستانی است و بافت مکانی و

زمانی آن برای نام گذاری یک واقعه و اعلان یک رخداد مناسب نیست. کمترین میزان غیبت در هر دو مقامه مربوط به کنش تصریحی یا اظهاری (F^R) است. از آن جا که این کنش برای بیان یک واقعه یا گزارش از یک فرآیند است و در متون داستانی مورد نظر روایات به شیوه حساب حال نویسی از زاویه دید اول شخص اظهار می‌شود، در تمام پی رفت‌های روایات داستانی هر دو مقامه حضور پررنگی دارد و تنها به این دلیل در پی رفت (Q) از مقامه المَضِرِّيَّة نیامده است که این پی رفت شامل یک تک گزاره بوده است. تکثر حضور این کنش گفتاری در مقامه المَضِرِّيَّة تعداد سیصد و هجده گزاره از چهار صد و نوزده گزاره موجود؛ یعنی حدود ۷۶ درصد است و تکثر حضور این کنش گفتاری در مقامه فی السِّكَباج تعداد چهارصد و هشتاد و یک گزاره از پانصد و چهل و دو گزاره موجود؛ یعنی معادل ۸۹ درصد است.

۴- نتیجه‌گیری

از آن جا که متون مورد بحث ما درباره مواجه شدن با انسانی پرحرف و آسیب دیدن از حرّافی و پرگویی اوست، برای مقایسه این متون از نظریه کاربردشناسی کنش‌های گفتاری که یکی از مهمترین روش‌های تحلیل صحبت تعاملی است، بهره بردیم؛ بدین منظور کنش‌های مختلف گفتار را (کنش‌های تصریحی یا اظهاری F^R ، کنش‌های ترغیبی F^D ، کنش‌های عاطفی F^E ، کنش‌های تعهدی F^C ، کنش‌های اعلانی F^A) در هر دو روایت جدا کرده و آن‌ها را در چهارچوب هجده پی رفت مقایسه کردیم و برای تحلیل آماری داده‌ها از سه جدول متفاوت بهره بردیم. براساس بررسی و مقایسه داده‌های موجود در جدول‌های مربوط به آرایش کنش‌های گفتاری و تعدد غیبت کنش‌های گفتاری در کل پی رفت‌های هر دو مقامه و تکثر کنش‌های گفتاری در کل پی رفت‌های هر دو مقامه به این نتایج رسیدیم که:

۱- کنش گفتاری اظهاری، کنش گفتاری پایه در زبان داستان هر دو مقامه است و به این دلیل که در متون داستانی مورد نظر روایات به شیوه حساب حال نویسی از زاویه دید اول شخص اظهار می‌شود، این کنش در بیشتر پی رفت‌ها حضور داشته است. تکثر حضور این کنش گفتاری در مقامه المَضِرِّيَّة تعداد سیصد و هجده گزاره از چهار صد و نوزده گزاره موجود؛ یعنی حدود ۷۶ درصد است و تکثر حضور این کنش گفتاری در مقامه فی السِّكَباج تعداد چهارصد و هشتاد و یک گزاره از پانصد و چهل و دو گزاره موجود؛ یعنی

معادل ۸۹ درصد است. ۲- کمترین کنش استفاده شده در این جدول‌ها مربوط به کنش‌های اعلانی (FA) است که در هیچ پی رفتی از هر دو مقامه حضور نداشت. این کنش که مربوط به نام گذاری یک واقعه و اعلان یک رخداد است، به این دلیل در این روایات کاربرد ندارد که بافت مکانی و زمانی متون ادبی - داستانی برای نام گذاری یک واقعه و رخداد حقیقی مناسب نمی‌باشد. ۳- مقامه فی السکاج ترجمه و یا حتی تقلید صرف از مقامه مضریه نیست؛ بلکه قاضی حمیدالدین با گسترش روایت از چهارصد و نوزده گزاره روایت مضریه به پانصد و چهل و دو گزاره در روایت خویش و با بهره‌گیری بیشتر و متنوع‌تر از کنش‌های گفتاری زبان (بهره‌گیری از کنش F^E علاوه بر کنش‌های مورد استفاده بدیع الزمان) موفق شده است که روایتی گیراتر از روایت بدیع الزمان همدانی به مخاطبان فارسی زبان ارائه دهد.

یادداشتها

- ۱- در نگارش این بخش، مقاله‌ی زیر از حیث روش الگوی کار نگارندگان بوده است:
پورنامداریان، تقی؛ بامشکی، سمیرا. (۱۳۸۸). «مقایسه‌ی داستان‌های مشترک مثنوی و منطق‌الطیر با رویکرد روایت‌شناسی ساختگرا». *جستارهای ادبی*. سال چهارم و دوم. شماره‌ی ۲، صص ۲۶-۱.

کتابنامه

- ۱- انوشیروانی، علیرضا. (۱۳۸۹). «ضرورت ادبیات تطبیقی در ایران». *ادبیات تطبیقی*. ۱/۱، صص ۳۸-۷.
- ۲- بلخی، قاضی حمیدالدین. (۱۳۶۵). *مقامات حمیدی*. تصحیح رضا انزابی نژاد. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۳- پهلوان نژاد، محمدرضا - ناصری مشهدی، نصرت. (۱۳۸۷). «تحلیل متن نامه‌ای از تاریخ بیهقی با رویکرد معنی‌شناسی کاربردی، نامه سران تگیناباد به امیر مسعود». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*. س ۱۶. شماره ۶۲، صص ۵۸-۳۷.
- ۴- ----- و اصطهباناتی، لیدا. (۱۳۸۷). «بررسی کنش‌های گفتار در سخنرانی‌های رؤسای جمهور ایران و آمریکا شهریور ۱۳۸۵، سازمان ملل». *مجله*

- پژوهش‌های خارجی نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز. شماره مسلسل ۲۰۸. سال ۵۱، صص ۱-۲۴.
- ۵- صفوی، کوروش. (۱۳۷۹). *درآمدی بر معنی‌شناسی*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- ۶- چاوشیان، حسن. (۱۳۸۶-۸۷). «زبان‌شناسی و تحلیل گفتمان». *مجله ادب پژوهی*. شماره ۴، صص ۱۱۷-۱۳۹.
- ۷- غنیمی الهلال، محمد. (۱۳۷۳). *ادبیات تطبیقی (تاریخ و تحول، اثرپذیری، اثرگذاری فرهنگ و ادب اسلامی)*. ترجمه مرتضی آیت‌ا... زاده شیرازی. تهران: امیرکبیر.
- ۸- محیی‌الدین عبدالحمید، محمد. (۱۹۷۹م). *شرح مقامات بدیع الزمان الهمدانی*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- 9- Allen, Graham. (2000). *Intertextuality*. London & New York: Rutledge.
- 10- Black, E. (2006). *Pragmatic Stylistics*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- 11- Green, Keith & LeBihan, Jiil. (1991). *Critical Theory and Practice: A course book*. London and New York: Routledge.
- 12- Prince, Gerald. (2003). *A Dictionary of Narratology*. Lincoln & London: University of Nebraska Press.
- 13- Searl, John & Simpson, Paull. (1969). *Speech acts: An Essay in the philosophy of language*. Cambridge: Cambridge University Press.